



## اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

# درس ۴۸

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای حمید نقی زاده سی سخت

مستصحب که در حقیقت موضوع و مورد استصحاب قرار می گیرد و با نفی آن استصحاب هم منتفی خواهد بود دارای آثاری است که این آثار می تواند شرعی یا عقلی باشد. خود آثار شرعی گاهی مستقیماً بر مستصحب مترتب می شوند و گاهی با واسطه. نکته مهم اعتبار شرعی و حجیت این آثار است، که مباحثی را در علم اصول به خود اختصاص داده است. در ادامه بحث جلسه قبل در این درس در صدد بیان کنیم که آیا با استصحاب مستصحب آثار شرعی آن ثابت خواهد شد یا نه؟

شهید صدر این بحث را با توجه به سه تفسیر در زمینه مفاد استصحاب مورد بررسی قرار داده است که مطالب پیش رو اختصاص به تفسیر اول دارد.

[ لا شك في ان المستصحب يثبت تعبداً و عملياً بلا استصحاب، و أما آثاره و لوازمه فهي على قسمين .... ]  
 اما القسم الأول: فلا خلاف في ثبوته تعبداً و عملياً بدليل الاستصحاب، سواء قلنا ان مفاده الإرشاد إلى عدم الانتقاض لعناية التعبد ببقاء المتيقن، أو الإرشاد إلى عدم الانتقاض لعناية التعبد ببقاء نفس اليقين، أو النهي عن النقض العملي لليقين بالشك . اما على الأول فلان التعبد ببقاء المتيقن ليس بمعنى إبقائه حقيقة بل تنزيلاً، و مرجعه إلى تنزيل مشكوك البقاء منزلة الباقي فيكون دليل الاستصحاب من أدلة التنزيل، و مقتضى دليل التنزيل إسراء الحكم الشرعي للمنزل عليه إلى المنزل إسراءً واقعياً أو ظاهرياً تبعاً لواقعية التنزيل أو ظاهريته و إناطته بالشك، و عليه فإطلاق التنزيل في دليل الاستصحاب يقتضى ثبوت جميع الآثار الشرعية للمستصحب بالاستصحاب.

فان قيل: هذا يصح بالنسبة إلى الأثر الشرعي المترتب على المستصحب مباشرة، و لا يبرر ثبوت الأثر الشرعي المترتب على ذلك الأثر المباشر، و ذلك لأن الأثر المباشر لم يثبت حقيقة لكي يتبعه اثره لأن التنزيل ظاهري لا واقعي، و انما ثبت الأثر المباشر تنزيلاً و تعبداً فكيف يثبت اثره؟ كان الجواب : انه يثبت بالتنزيل أيضاً إذ ما دام إثبات الأثر المباشر كان إثباتاً تنزيلاً فمرجه إلى تنزيله منزلاً الأثر المباشر الواقعي، و هذا يستتبع ثبوت الأثر الشرعي الثاني تنزيلاً و هكذا.

## اعتبار آثار شرعی مستصحب

در مطالب پیش گفته بیان شد که آثار مستصحب بر دو قسم است که عبارتند از: شرعی و عقلی و خود آثار شرعی به دو قسم بی واسطه و با واسطه منقسم می‌شوند.

اختلافی نیست که به موجب دلیل استصحاب، با جریان استصحاب، آثار شرعی مستصحب، ثابت می‌شوند. سه تفسیر از مفاد دلیل استصحاب بیان شده است:

یک. مفاد دلیل استصحاب، ارشاد به عدم نقض یقین است، به دلیل تعبد از ناحیه شارع به بقای متیقن؛

دو. مفاد دلیل استصحاب ارشاد به عدم امکان نقض یقین است، به سبب تعبد از ناحیه شارع به بقای خود یقین؛

سه. مفاد دلیل استصحاب نهی مولوی از نقض عملی یقین تفسیر می‌باشد.

طبق هر سه تفسیر، مشکلی در اثبات آثار شرعی مستصحب وجود ندارد.

### ترتیب آثار شرعی مستصحب بر اساس تفسیر اول

طبق تفسیر اول از مفاد دلیل استصحاب، نهی در دلیل استصحاب، ارشاد به عدم نقض یقین است. دلیل بر مطلب این است که شارع مقدس تعبداً حکم به بقای متیقن کرده است. مانند این که تعبداً حکم به بقای نجاست دیروز کرده، به این معنی که امروز هم این نجاست را تعبداً باقی بدان. تعبد به بقای متیقن، باقی بودن حقیقی متیقن محسوب نمی‌شود، بلکه تعبد به بقای متیقن، ابقای تنزیلی متیقن است؛ زیرا به تنزیل مشکوک البقا به منزله باقی برمی‌گردد.

پس دلیل استصحاب طبق این تفسیر از ادله تنزیل خواهد بود و مقتضای تنزیل این است که احکام منزل علیه به منزل سرایت داده شده است. منزل، چیزی داریم که چیز دیگری را به منزله آن قرار می‌دهیم و آن چه که به منزله چیز دیگر قرار داده شده است منزل علیه است. معاون، منزل و رئیس، منزل علیه است؛ لذا احکام رئیس در هنگام فقدان برای معاون است و به عبارت دیگر، احکام منزل علیه به منزل سرایت داده می‌شود.

گاهی تنزیل واقعی و گاه ظاهری است.

تنزیل واقعی آن است که مولا چیزی را در واقع و بدون لحاظ شک مکلف به منزله چیز دیگر قرار دهد. مانند: «طواف الیهت صلاة»؛ شارع حقیقتاً طواف را به منزله نماز قرار داده است. بنابراین تمام احکام نماز مانند طهارت به طواف سرایت داده می‌شود.

اما تنزیل ظاهری، تنزیل منوط به شک است؛ یعنی مولا چیزی را منوط به شک مکلف، در واقع به منزله چیز دیگری قرار می‌دهد. باید مکلف شک به واقع امر داشته باشد تا شارع چیزی را به چیز دیگر تنزیل دهد. بنابراین احکام منزل علیه به منزل سرایت می‌کند اما به شرط شک مکلف.

بنابر تفسیر نخست، مفاد دلیل استصحاب، تنزیل ظاهری است؛ تنزیل ظاهری مشکوک البقا به منزله باقی واقعی. نکته مهم این است که آیا همه آثار منزل علیه به منزل سرایت داده می‌شود یا بعضی از آثار؟

سرایت تمام یا بعضی، بستگی به این دارد که دلیل تنزیل مطلق باشد یا مقید. اگر تنزیل مقید باشد بسته به قید، برخی از آثار مترتب می‌شود. اما راجع به دلیل استصحاب؛ چون تنزیل در دلیل استصحاب مطلق است این اطلاق مقتضی ترتیب تمام آثار شرعی بر مستصحب است.

## متن عربی و نکات تطبیقی

اما القسم الأول: فلا خلاف فی ثبوته تعبداً و عملياً بدلیل (۱) الاستصحاب، سواء قلنا ان مفاده الإرشاد إلى عدم الانتقاض (۲) لعناية التعبد ببقاء المتيقن، أو الإرشاد (۳) إلى عدم الانتقاض لعناية التعبد ببقاء نفس اليقین، أو النهی (۴) عن النقض العملي لليقین بالشك (۵). اما على الأول فلان التعبد ببقاء المتيقن ليس بمعنى إبقائه حقيقة بل تنزيلاً، و مرجعه (۶) إلى تنزیل مشکوک البقاء منزلة الباقي فيكون دليل الاستصحاب من أدلة التنزیل، و مقتضى دليل التنزیل إسرائ (۷) الحكم الشرعي للمنزل عليه إلى المنزل إسرائاً (۸) واقعياً أو ظاهرياً تبعاً لواقعية التنزیل أو ظاهريته و إنا طنه (۹) بالشك، و عليه فإطلاق التنزیل في دليل الاستصحاب يقتضى ثبوت جميع الآثار الشرعية للمستصحب بالاستصحاب (۱۰).

۱. متعلق: ثبوت.

۲. یعنی: عدم امکان نقض یقین.

۳ و ۴. معطوف علیه: «الإرشاد» اول.

۵ معنای باء: به هنگام شك، نه به سبب شك.

۶. مرجع ضمیر: ابقای تنزیلی.

۷. یعنی: سرايت دادن.

۸. مفعول مطلق نوعی.

۹. عطف تفسیری به ظاهريته.

۱۰. متعلق: ثبوت.

Sco1:14:20

## اشکال در آثار شرعی با واسطه

بیان کردیم که طبق تفسیر اول، با توجه به اطلاق دلیل استصحاب، ترتب تمام آثار شرعی مستصحب به اثبات می رسد. ممکن است این اشکال مطرح شود که:

این بیان شما نسبت به اثر بی واسطه مستصحب درست است اما آثار شرعی با واسطه مستصحب با این بیان ثابت نمی شود.

اثر باواسطه بر اثر واقعی بی واسطه مستصحب مترتب است؛ مانند: حلیت اکل طعام نسبت به طهارت طعام اثر باواسطه است، پس حلیت طعام اثر واقعی طهارت طعام است. اما مشکل این است که تنزیل ظاهری است نه واقعی و در نتیجه اگر اثر بی واسطه ثابت نباشد، بلکه تعبداً و تنزیلاً ثابت شود، دیگر مجالی نیست که اثر این اثر بی واسطه، ثبوت پیدا کند؛ چون اثر بی واسطه مترتب بر اثر بی واسطه واقعی است نه بی واسطه تعبدی. در مثال حلیت اکل طعام، در جایی که با طهارت تعبدی آب، طهارت تعبدی طعام ثابت می شود دیگر نمی توان انتظار داشت که اثر آن که حلیت طعام است بر آن مترتب باشد.

جواب

اثر باواسطه نیز مانند خود اثر بی واسطه، تعبداً و تنزیلاً ثابت می شود. علت آن است که اثبات تنزیلی یک اثر به این معناست که شارع مقدس آن اثر را به منزله اثر واقعی قلمداد کرده است. بنابراین درمثال مطرح شده اثبات تنزیلی طهارت طعام که با استصحاب ثابت شده است به منزله طهارت واقعی قرار داده شده است.

پس همان گونه که با ثبوت واقعی اثر بی واسطه آثار او و آثار آثار او واقعاً ثابت می شود با اثبات تنزیلی اثر بی واسطه هم آثار او تعبداً اثبات می شود. با طهارت واقعی طعام، آثار آثار این اثر واقعی ثبوت پیدا می کند و تعبداً ثابت خواهد شد.

### متن عربی و نکات تطبیقی

فان قيل: هذا (۱) یصح بالنسبة إلى الأثر الشرعی المترتب على المستصحب مباشرة، و لا یبرر ثبوت الأثر الشرعی المترتب على ذلك الأثر المباشر، و ذلك (۲) لأن الأثر المباشر لم یثبت حقيقة لكي يتبعه (۳) اثره (۴) لأن التنزیل ظاهري لا واقعی، و انما ثبت الأثر المباشر تنزیلاً و تعبداً فكيف یثبت اثره؟ كان الجواب : انه یثبت (۵) بالتنزیل أيضاً إذ ما دام إثبات الأثر المباشر كان إثباتاً تنزیلیاً فمرجه إلى تنزیله منزلة الأثر المباشر الواقعی، و هذا یستتبع ثبوت الأثر الشرعی الثانی تنزیلاً و هكذا.

۱. مشارالیه: استدلال.

۲. مشارالیه: لایبرر.

۳ و ۴. مرجع ضمیر مفعولی: اثر مباشر.

۵. مرجع ضمیر: اثره؛ معنی اثر اثر بی واسطه

Scot: ۲۴: ۱۷

۱. اختلافی نیست که به موجب دلیل استصحاب، با جریان استصحاب، آثار شرعی مستصحب، ثابت می‌شوند.
۲. اثبات آثار شرعی مستصحب، طبق هر یک از تفسیرهای سه گانه در مورد مفاد استصحاب، مورد پذیرش واقع شده که در این درس به تفسیر اول می‌پردازیم.
۳. طبق تفسیر اول مفاد استصحاب، نهی در دلیل استصحاب ارشاد است به عدم نقض یقین و دلیل بر مطلب این است که شارع مقدس تعبداً حکم به بقای متیقن کرده است.
۴. تعبد به بقای متیقن، باقی بودن حقیقی متیقن محسوب نمی‌شود بلکه تعبد به بقای متیقن، ابقای تنزیلی متیقن است؛ زیرا به تنزیل مشکوک البقا به منزله باقی بر می‌گردد.
۵. گاهی تنزیل واقعی و گاهی تنزیل ظاهری است. تنزیل واقعی آن است که مولا چیزی را در واقع و بدون لحاظ شک مکلف به منزله چیز دیگر قرار ده د. تنزیل ظاهری، تنزیل منوط به شک است؛ یعنی مولا چیزی را منوط به شک مکلف، در واقع به منزله چیز دیگری قرار می‌دهد.
۶. چون تنزیل در دلیل استصحاب مطلق است این اطلاق مقتضی ترتب تمام آثار شرعی بر مستصحب است.
۷. در مورد تفسیر اول این اشکال مطرح شده که این بیان نسبت به اثر بی واسطه مستصحب درست است اما نکته این است که آثار شرعی با واسطه مستصحب با این بیان ثابت نمی‌شود.
۸. جواب اشکال این است که اثر با واسطه نیز به مانند خود اثر بی‌واسطه تعبداً و تنزیلاً ثابت می‌شود.